

حج و عمره در حقوق اسلام (فقه)

عبدالغفور باهر

طبع دوم
سپتامبر 2008

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه طبع دوم فقه اسلامی:

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله وبعد :
 جای بسیار شکر است که خداوند سبحانه و تعالیٰ ما را توفیق عنایت فرمود تا تحقیق مرحوم استاد عبدالغفور باهر را برای بار دوم به طبع میرسانیم .

تحقیق مرحوم استاد عبدالغفور باهر بنام (حج و عمره در حقوق اسلام «فقه») می باشد . در این تحقیق استاد گرامی باهر موضوعات حج و تاریخ بنای عمارت کعبه را شرح علمی و از منابع معتبر اسلامی استفاده کرده اند و بدون شک یک تحقیق عالی و مفید برای جامعه افغانی می باشد .

مرحوم استاد باهر یکی از علمای جید افغانستان بود و تخصص خود را از جامعه از هر دریافت و سالهای زیادی در خدمت ثقافت اسلامی در وزارت معارف و عدلیه افغانستان بود .

مجله فقه اسلامی که وظیفه خود نشر ثقافت اسلامی را می داند حاضر است تحقیقات علمای افغانی را در موضوعات مختلف اسلامی (اقتصاد اسلامی ، سیاست ، فقه به اقسام آن ، عقائد ، مذاهب ، فتاوی معاصر و غیره موضوعات اسلامی مربوط به واقعات روز) را به نشر برساند .

مصارف طبع اول این تحقیق را جناب مرحوم استاد باهر در حیاتش به نیت صدقه داده بودند و مصارف طبع دوم را محترمه بی بی خدیجه خانم

مرحوم باهر صاحب به نیت صدقه جاریه پرداخته لذا این رساله مانند رسائل قبلی برای فروش نیست و ما برای باهر صاحب از خداوند سبحانه و تعالی جنات فردوس را می خواهیم و برای محترمه خانم شان و اولادهای شان اجردارین را می خواهیم .

خداوند همکاران فقه اسلامی را توفيق بيشتر خدمت اسلام و نشر ثقافت اسلامی را عطا نماید و اين جاي شکر است که خداوند ما را به اين خدمت مامور ساخته است.

ناشر فقه اسلامی / فضل غنى مجددی . سپتمبر 2008 .

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

حج که متضمن فلسفه بسیار عالی و در برگیرنده مزايا و منافع مهم اجتماعی است، شخص مؤمن را در آن بارگاه مقدس فقط متوجه به خداوند جل جلاله میسازد، بناء آن نفس های متقاد و پاکیکه به خداوند جل جلاله خصوص و انکسار متوجه آن خانه مقدس می شوند در آنوقت که لبیک اللهم لبیک گویند از صفو آنها نور مساوات، اتحاد و صمیمیت میدرخشد، از روی نیت پاک و وجود آسوده اركان و مناسک حج را ادا و با حج مقبول و مبرور بر می گردند. زیرا نخست خانه ئی که بمقدم مقرر شده در مکه است و نخستین خانه متبرکه دنیا خانه کعبه است در آن خانه نشانه های روشن است از آن جمله ایستگاه ابراهیم عليه السلام است و هر که در آن درآید در امن می باشد.

ما در حج می یابیم که چگونه روح مساوات و برابری در میان مردم تجلی میکند. بنابران هم آهنگی و برابری که اسلام بوجود آورده هیچ دین و کیش و یا سیستم اجتماعی دیگری به دنیا عرضه نداده است زیرا اسلام یک دین نیست که تنها برای پرورش روح صرف وقت کرده باشد و یا فقط تعالیم خود را به امور صوری منحصر ساخته باشد. تعالیم اسلام پر از نشاط و پراز فعالیت است که از لحاظ تربیت روحی و معنوی کامل و در تنظیم امور سیاسی و اجتماعی یکتا و بی مانند است که ما مثال روشن آنرا در انجام یکی از اركان تعبدی اسلام که حج بیت الله است مشاهده میکنیم که هزا ران مسلمان با یک لباس و روحیه قوی تعبدی و امور اجتماعی با هم دور کعبه الله در مکه معظمه به حج می پردازند و ارکان و مناسک آنرا در پرتو مساوات انجام میدهند.

من در این رساله علاوه از اینکه مسایل حج را بصورت اختصار بعرض رسانیده ام مسایل تاریخی، اعمار کعبه الله را با تثبیت و قرار یکه در عمران کعبه الله رخ داده است حتی المقدور ذکر کرده ام، امید است مورد دلچسپی خوانندگان گرامی گردد.

در نشر و اهتمام این رساله از برادر گرامی و فاضل فضل غنی مجددی که پروانه
واردر راه نشر تعالیم اسلام فیض می برد و به جهان اسلام ذخایر بی بهای فکر
اسلامی را منتشر میسازند توفیق مزید از بارگاه الهی نیاز میکنم و از اینکه در
نشر این رساله همکاری بی شائبه و عالمانه فرموده اند اظهار سپاس میکنم
با احترام عبدالغفور باهر. اپریل 2005

بسم الله الرحمن الرحيم

برای تمام کشورهای متمدن جهان جا های معینی است، که در آن جا ها جهت عبادت الله (ج) و کسب ثواب با هم جمع میشوند. ما در سوره الحج میخوانیم: ترجمه «برای هر امت طریقی را معین ساخته ایم که یاد کنند نام خدا (ج) را بر ذبح آنچه داده ایشان را از حیوانات چهار پا در (قربانی) پس معبد شما خدای یگانه است خاص برای او منقاد باشید * الحج: 34». و نیز فرموده: ترجمه «برای هر امت مقرر کرده ایم طریق عبادت را که آنها بران عمل میکنند * الحج: 67». همچنان طریق و روش جهت عبادت برای عرب مشخص شده بود که باید آنها گرد بیت الله انجام میدادند. که آنرا حضرت ابراهیم خلیل الله اعمار مجدد نموده بودند که درین زمینه خداوند توanax (ج) می فرماید: «یاد کن آنگاه که بلند می کرد ابراهیم بنیاد های خانه کعبه را و اسماعیل، دعا میکردند، ای پروردگار ما بپذیر از ما هر آهینه توئی تو نیک شنوا دانا. ای پروردگار ما بگردان ما را فرمان بران بخود و از اولاد ما گروهی فرمان بر بخود و بنمای ما را مناسک ما را (قواعد حج) و بپذیر توبه ما را هر آهینه توئی تو توبه پذیرنده مهریان. ای پروردگار ما بفرست در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخوانند برایشان آیات های ترا و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک کند ایشان را هر آهینه تو توئی بسیار غالب و بسیار با حکمت * البقره: 29».

و هم فرموده است ترجمه: «هر آهینه نخست خانه که مقرر شده بمردم (جهت عبادت) بی گمان در مکه است. برکت داده شده. و هدایت مر عالمیان را در آن است نشانه های روشن، از آن جمله مقام ابراهیم است هر که در آید آنجا باشد ایمن *آل عمران: 96-97».

البته نخستین خانه متبرکه دنیا خانه کعبه است. بیت المقدس و مسجد الاقصی و سایر مقامات و عبادتگاه های متبرکه بعد از این تعییر شده، و کعبه نخست بنای است که برای توحید و جلب مردم بسوی خدا (ج) بنا یافته که در شهر مکه معظمه واقع است و به بیت الله خداوند متعال انواع علامات قدرت خود را در

سرزمین حجاز باز نهاده است که از این جهت در هر زمان پیروان مذاهب مختلفه به تعظیم و احترام آن بصورت بی مانند پرداخته اند. و هر که در آن سرزمین داخل گردیده مأمون پنداشته شده است. بودن مقام ابراهیم (ع) متصل آن واضح می سازد که حضرت او درینجا قدم نهاده و تاریخ آن نزد تمام عرب و جامعه اسلامی غیرقابل انکار و مسلم میباشد، نشان میدهد که این سنگ همان سنگ است که ابراهیم (ع) برآن ایستاد و کعبه را تعمیر می کرد و نقش قدم ابراهیم (ع) به قدرت ذات الهی دران سنگ نقش است و تا امروز محفوظ مانده است. علاوه بران بروایات تاریخ و چون آن سنگ مقدس دلیل روشن است که این خانه کعبه بعد از طوفان نوح (ع) توسط حضرت ابراهیم (ع) بنا یافته و اعمار مجدد شده است که حضرت اسماعیل (ع) پسرا او باوی در اعمار این خانه مقدس همکاری می کرد. و هم خداوند توانا فرموده است: ترجمه «و یاد کن چون معین کردیم برای ابراهیم موضع خانه کعبه را که شریک مگردان با من هیچ چیز را و پاک کن خانه ای مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان. و آواز بدہ در میان مردم برای حج که بیانند نزد تو پیاده و بر هر شتر لاغر که می آیند از هر راه دور تا حاضر شوند به جاهای منفاع خود و یاد کنند نام اللہ را در چند روز معلوم بر ذبح آنچه داده است ایشان را از حیوانات چار پایان. پس بخورید از آن و بخورایند بدان محتاج را دور کنند چرک خود را و ایفاء کنند نذر های خود را و طواف کنند به آن خانه قدیم *الحج: 26-29».

لذا از زمان ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام عرب به این ترتیب روش داشتند اما بعد از ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام عرب از نصایح و هدایات الهی که توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام بر ایشان تبلیغ می شد عدول کردند و طواف خالص را که برای اللہ جل جلاله می کردند آنرا گذاشتند و به تهییه بت ها پرداختند تا اینکه خداوند توانا از بین عرب قریش، محمد صلی اللہ علیه وسلم را مبعوث کرد. که قبل از بعثت حضرت محمد صلی اللہ علیه وسلم عرب بسیار چیز هارا که حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام بران عمل می

کردند تغییر داده بودند با خدای یکتا و لا شریک بت های دست ساخته خود را شریک ساخته بودند . بر بالای کعبه و پهلوی و نزدیک آن و برصفا و مروه بت ها را گذاشته بودند و میگفتند که این بت ها ما را به خداوند جل جلاله نزدیک میسازد . وقتیکه پیغمبر اسلام صل الله علیه وسلم جهت تجدید شریعت ابراهیم خلیل الله مبعوث شد ، قواعد و مناسک دوباره حج و عمره را که الله جل جلاله برای جامعه انسانی فرموده است بیان کرد و کعبه و صفا و مروه را از تلوث بت ها پاک ساخت و مردم را به پرستش خدای یگانه رهنمود کرد . « و اتموا الحج و العمّر لله » مردم را به توحید و وحدانیت الله جل جلاله امر کرد و به ترک آنچه که اهل جاھلیت بران بود ، هدایت کرد و خداوند توانا فرمود : ترجمه « و اللہ علی الناس حج الْبَیْت مِنْ اسْتِطاعَ الیه سَبِیْلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ، مَرْخَدَا رَأَتْ حَقَّ بَرِّ مَرْدَمْ حَجَّ كَرْدَنْ خَانَهُ هَرَ كَهْ تَوَانَدْ بَسُوی آن رَاهْ يَا فَتَنْ ، وَ هَرَ كَهْ كَافِرْ شَوَدْ پَسْ بَيْگَمَانْ خَدا بَيْنِيَازْ اسْتَ ازْ عَالَمِیَانْ *آل عمران: 97». و فرمود : حج و عمره را خاص برای خدا انجام دهید . و هم فرمود : « بپرهیزید از پلیدی بتنان و بپرهیزید از سخن دروغ از هر طرف مایل شده بسوی الله نه شریک گیرندگان و کسیکه شریک ساخت به الله پس گویا بیفتاد از آسمان پس ریود او را پرنده گان مردار خوارو یا انداخت او را باد در جای دور *البقره: 197».

سخن دروغ گفتن ، و یا شهادت به دروغ جانوران و حیوانات آفریده خدا جل جلاله را بنام غیر الله ذبح کردن و بدون دلیل شرعی چیزی را حلال و حرام گفتن همه در قول زور (دروع) شامل میباشد . البته توحید مقامی است نهایت اعلی و بلند و اگر انسان او تعالی را ترک داده به چیز دیگری برای عبادت بپردازد گویا خود را از اوج آسمان توحید به حضیض ذلت شرک می اندازد . و هم خداوند فرمود است ، ترجمه : « وقت حج ماههای معین است ، پس کسیکه لازم گردانید در آنها حج را جایز نیست برای او مباشرت جنسی و نه کدام کار نا جایز و نه مناقشه در وقت حج و آنچه میکند از نیکوئی خدا آنرا میداند * اليقره: 197 ». یعنی کسیکه حج را بر خود لازم گردانید احرام بست بدین طریق که از دل و ضمیر خود نیت کرد و به زبان تلبیه گفت آنگاه نباید اعمال فوق را انجام دهد .

البته ازغره شوال تا بامداد عيد قربان که دهم ذى الحجه است که ماه های حج است و در آن ماهها احرام حج بسته میشود ، و کسیکه پیش از آن ماهها احرام بنده درست نیست. زیرا برای ادائی حج چند ماه معین و مشخص است که مردم آن ماهها را میدانند آهین و طرز العمل مشرکان عرب بود ، که ماههای حج را بحسب ضرورت واحتیاج خویش مقدم و مؤخر مینمودند که خداوند جل جلاله آنرا باطل و بی اساس گردانید و خداوند توانا (ج) مناسک ومشاعر حج را بیان فرمود ترجمه: « هر آئینه صفا و مروه از نشانه های خداست پس هر که قصد حج کند خانه خدای را یا عمره بجا آرد پس گناهی نیست بروی که طواف کند به هر دو و هر که به میل و رغبت خویش عمل نیکو بجا آرد . خدا جزا دهنده است بر طاعات و عبادات و دانا است * البقره: 156 ».

صفا و مروه دو تپه و یا کوه بچه ئی است در مکه معظمه و عرب که از روزگار ابراهیم (ع) مراسم حج را بجای آوردن هنگام حج در پیرامون این دو تپه طواف و گردش می کردند و در زمان قبل از اسلام بر فراز هر یکی از دو تپه و یا کوه بچه بتی نهاده از آن احترام می کردند .

مردم مکه تصور میکردند که طواف جهت تعظیم بت ها است . هنگامیکه خورشید اسلام طلوع کرد و آنها از آئین بت پرستی برگشتند ، گمان کردند که طواف صفا و مروه نیز نا جایز قرار داده شده است . زیرا قریش نمی دانستند که طواف صفا و مروه اساسا برای ادائی مراسم حج بود . و هم انصار مدینه نیز در پنداشتند چون به اسلام مشرف شدند در انگیشه افتادند و نظرات خود را درباره صفا و مروه به نظر خوب نگاه نمی کردند و از روزگار جاگهی آنرا گناه می بیان صفا و مروه کریمه فوق فرود آمد و به هر دو طایفه فهمانده شد که طواف و یا سعی آنها طواف و سعی شود * (تفسیر سوره البقره: 156) . و هم فرمود مطلب ترجمه « آنگاه که بازگشتید از عرفات برای طواف یاد کنید خدارا در مشعر الحرام

چنانکه هدایت کرده شما را و البته پیش از آن به شک بودید بی خبران، پس باز گردید برای طواف از آنجا که باز می گردد مردم و بخشش بخواهید از خدا هر آهینه خدا بسیار آمرزنده نهایت مهریان است. پس وقتی که ادا کردید مناسک حج خود را یاد کنید خدا را مانتدیکه پدران خود را یاد می کردید، بلکه بیشتر یاد کردن *البقره 198-200*.».

در دهم ذی الحجه وقتیکه از افعال حج، عمره، جمره زدن ذبح قربانی، تراشیدن و یا کم کردن موی سر، طواف کعبه فارغ شدید، هنگام قیام در منی (منا) خدا را ذکر کنید، چنانکه در زمان قبل از اسلام پدران و نیاکان خود را یاد می کردید، بلکه بیشتر خدا را ذکر کنید. عرب از قدیم رسم و رواج داشتند که بعد از فراغ حج سه روز در منی توقف می کردند و آنرا عید می گرفتند در آن عید بزرگی و قهرمانیها و خوبیهای پدران و نیاکان و اسلاف خود را بیان می کردند. خداوند آنها را از این کار بیهوده شان منع فرمود وامر کرد که درین ایام کبریائی و ستایش خدا را بیان کنید * (تفسیر از سوره البقره آیات 198) . البته شعر الحرام نام کوه و یا تپه ئی است در مزدلفه که امام بران می ایستد اقامت بران بهتر است. دیگر تمام مزدلفه هر جای که طرح اقامت افگنند جایز است. جزدر وادی (محسر) و هم خداوند توانا (ج) فرموده که ترجمه آن این است: « و یاد کنید خدا را در روزهای شمرده شده. پس کسیکه شتاب کرد و رفت در دو روز، پس گناهی بر او نیست و هر که دیر ماند هم پس نیست گناهی بر او (این حکم تغییر) به کسی است که میترسد و ترسنده باشید از خدا و بدانید که هر آهینه شما بسوی او جمع (محشور) خواهید شد * (البقره: 203) .».

ایام معدودات یعنی روز هی شمرده شده روز های یازدهم،دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه است. درین ایام به مردمیکه از حج فارغ میشوند حکم است که در منی بمانند و هنگام رمی جمار (افگنند سنگ ریزه ها) و بعد از هر نماز تکبیر گویند. در دیگر اوقات این روز ها نیز لازم است که تکبیر گویند و بسیار به ذکر خدا مشغول باشند. این هم مجاز است که اگر کسی در منی دو روز قیام کند یا سه

روز گناهی ندارد خداوند متعال هر دو روز را مجاز قرار داده اما سه روز بهتر است که اوقات حج را به تقوی و پرهیزگار و عبادت بسر برند.

و هم فرموده است ترجمه « حکم این است هر که تعظیم کند شعائر الله را پس هر آهینه این از تقوی دلها است. برای شما در مواشی منافع است تا وقت معینی باز رسیدن آنهاست تا خانه قدیم *الحج: 32.»

خانه عتیق عبارت از بیت الله شریف است درین موقع توسعه تمام حرم مراد خواهد بود . یعنی از شتر (گاو) بز گوسفند و غیره فوائد زیاد بدست مثلا سواری و باربری ، شیر ، پشم و غیره مگر این انتفاع تا هنگامی است که آنها را هدی نکرده باشند بعد از اینکه هدی کردند فوائد فوق بدون ضرورت گرفتن از آنها جایز نیست . فایده بزرگ اخروی از آنها این است که قربانی را بنام خدای متعال جل جلاله قربان کنند . خداوند جل جلاله فرموده ، ترجمه : « و شترانی از نشانه های (قدرت) الله مر شما راست در آنها نیکوئی . پس یاد کنید نام خدا را بران (در حالت نحر و کشتار) در حالیکه صف بسته باشند پس چون (بزمین) بیفتند پهلوی های آنها پس بخورید از آن و بخورانید قناعت کننده و بیقرار را *الحج: 36.».

البته اول حکم تعظیم مطلق شعائر الله بود اکنون و انmod کرد که شتر و غیره حیوانات چهار پا قربانی هم از زمرة شعائر الله می باشند که در آنها و در بجا آوردن آداب قربانی آنها برا ی شما خوبی های بی شماری از دنیوی و اخروی میباشد . پس مطابق قاعده عمومی باید نام الله جل جلاله را در وقت ذبح و نحر آنها یاد کنید و بربازیان برانید و مخصوصا طریقه ذبح شتر (نحر) است که آنرا روبره قبله ایستاده کرده یک دست آنرا چه راست و یا چپ بسته نمائید سپس در ابتدای آن که منتهای حلقوم است زخم بزنید چون تمام خون حیوان براید و بزمین به افتاد آنگاه پوست کرده قطعه ، قطعه کرده از آن بعد از پختن مستفید شوید . و هم لازم است که به محتاجان از آن بخورانید محتاجان دو نوع اند یکی

های اند که از سوال برکنار اند و اگر مقدار کمی بیایند بدان قناعت کرده زیاد نمی خواهند و دیگر بیقرار اند سوال را ادامه میدهند و به چیز قلیل و کم راضی و متسلى نمی شوند . که باید مطابق حال هر کدام کمک شوند وهم فرموده است ترجمه : « ای مؤمنان حلال مدانید نشانهای خدا را و نه ماه حرام را و نه حیوانیرا که نیاز کعبه شده و نه آنچه قلاده در گردن او اندازند و نه ایندگان بیت الحرام را که می طلبند فضلی از پروردگار خود خوشنودی اورا * المائدہ: 2 . »

ماه حرام چهار است : ذو القعده . ذو الحجه ، محرم و رجب . که باید درین ماه ها بخصوص طاعات و عبادات نیکوئی و تقوی بیشتر صورت گیرد و از شرو فساد جلوگیری شود . بخصوص حجاج را آزار و آسیب نرسد و از حج مانع نشوند . اگر چه نیکوئی و تقوی در دوازده ماه لازم است که مسلمانان جهت تقویت روابط برادری ، تساند و تعاوون و همکاری با نیکوئی و احترام یکدیگر بپردازند مگر درین چهار ماه بخصوص متوجه باشند . و هم قلاده بمعنی طوق و گلوبندی است که در گردن حیوان که آماده قربانی می باشد بطور نشانی بسته می کرددند تا آنرا حیوان هدی شناخته به وی غرضدار نشوند . و خداوند جل جلاله فرموده ترجمه : « گردانید خدا کعبه را که خانه عظیمی است و آنچه در گردش قلاده اند اخته به کعبه ببرند * المائدہ: 97 . »

البته کعبه شریف از حیث دینی و دنیوی باعث قیام مردم است حج و عمره چنان عباداتند که ادای آنها مستقیما با کعبه مربوط میباشد مگر برای ادای نمازها هم استقبال و یا رو گردانیدن بطرف قبله (کعبه) شرط است ، روی این منظور کعبه شریف ، موجب قیام عبادات دینی مردم گردیده برعلاوه وقتیکه در موقع حج و عمره و ادای سایر مناسک و انواع آن از تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی صد ها مسلمان در آن جا جمع میشوند قوائید بی شماری تجاری ، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و منافع اخلاقی مذهبی و روحانی حاصل میکنند لذا خداوند توانا جل جلاله آن مقام عالی و ملکوتی را حرم امن گرانیده است بنابران نه فقط انسان بلکه بسیار حیوانات را هم که در آنجا بود و باش کنند

امن نصیب می‌گردد . و هم خداوند جل جلاله فرموده است ترجمه: « پس اگر شما منع کرده شوید ، پس بر شما از آنچه آسان باشد از هدیه لازم است و متراشید سرهای تانرا تا آنکه هدیه بجایش رسد پس هر که از شما بیماریا او را رنجی از سرش باشد ، بروی فدیه لازم است که روزه بگیرد یا خیرات و یا هدیه بدهد (پس) و چون این شدید و هر که به ادای عمره تا وقت حج نفع برداشت پس بروی آنچه از هدیه آسان است بروی لازم است. پس کسیکه نیابد هدیه ، پس لازم است که سه روز روزه گیرد در ایام حج و هفت روز و قتی که بازگردد که این ده روز کامل است . این حکم برای کسی است که اهل وی باشند گان مسجد حرام نباشند * البقره: 196 .»

مقصد و مقصود این است که هر که برای حج یا عمره آغاز کرد یعنی احرام بست تمام مناسک و شرایط بروی لازم میشود و نمیتواند آنرا نا تمام گذاشته از احرام براید . اگر از بیم دشمن و یا بیماری و یا سایر عوامل نتوانست حج و عمره را ادا نماید بقدر توان بروی قربانی و هدیه واجب و لازم می‌گردد . و حد کمترین هدیه یک بزو یا گوسفند است. هدیه را بوسیله شخصی بمکه بفرستد و یقین کند که آن هدیه را بحرم رساند و در فلان روز معین ذبح کند . و قتیکه تخمین او تکمیل گردید سر خود را بتراشد و یا موی سر خود را کوتاه کند و قبل از آن موی سر خود را نه کوتاه و نه بتراشد . این را (دم، احصار) میگویند که بعلت تعطیل حج یا عمره لازم می‌گردد . خداوند تو انا جل جلاله مکه معظمه را حرم مأمون گردانیدم حرم است چنانکه فرموده است، مطلب ترجمه: « آیا نمی بینید که ما گردانیدم حرم را جای امن و ربوه میشوند مردم از جوانب ایشان آیا بیاطل یقین دارند؟ و به احسان خدا نا سپاسی میکنند * العنكبوت: 67 .»

اهل مکه از برکت خانه خدا جل جلاله از آسیب دشمنان در پناه بودند حالانکه در آنوقت در تمام مکه عرب بازار و فساد و خونریزی گرم بود احساسات نا حق و نادرست و کاذب بتان را که هیچ چیز از آن سنگ ها و چوپ ها نمی آمد قبول می کردند . مگر احسان خدای عالمیان را که قادر و فعال مایشاء است، باور

نداشتند و به خدای یگانه که تمام قدرت و توانائی خیر و شر از آن اوست عقیده نمی‌کردند.

و فرموده است مطلب ترجمه: «آیا جای ندادیم ایشان را در مقام محترم با امن که کشانیده میشود بسوی آن میوه‌های هر چیز (در حالیکه) روزی است از طرف ما و مگراکثر ایشان نمی‌دانند *القصص: 57».

حرام گردانید الله جل جلاله شکار را بر محرم و در زمینه اگر کسی در حال احرام شکار کند بروی جزا تعیین فرموده وهم فرمود خاص مطلب: «ای مؤمنان مکشید صید را و حالانکه شما محرم باشید و هر که بکشد او را از شما قصدا بروی جزای مانند آنچه کشته است لازم است از حیوانات چهارپایان که حکم کند بدان جزاء او صاحب عدالت از شما در حالیکه آن جزاء قربانی رسیده باشد به کعبه یا بر اوست طعام دادن درویشان یا برابر آن روزه داشتن تا بچشید جزائی کردار خود را عفو کرده است خدا از آنچه گذشته است *المائدہ: 95».

نzd احنا ف این است که اگر در حال احرام شخصی صیدی را بگیرد رها نمودن آن بروی لازم است و اگر کشت دو نفر قابل اعتبار و تجربه کار و دانا قیمت آنرا معین نماید به اندازه قیمت آن حیوانی را بخرد . چون بز، گوسفند، گاو یا شتر نزدیک کعبه یعنی در حدود حرم رسانده ذبح و یا نحر کند و خود از آن نخورد یا قیمت آنرا غله خریده به هر مسکین به مقدار صدقه فطر تقسیم کند و یا به هر تعداد مسکین که میرسد همانقدر روزه بگیرد.

فرضیت حج بیت الله: در باره حج بیت الله، مختار نzd جمهور علماء و مؤرخین اسلام طبق این فرموده الله تعالی: « و اتموا الحج و العمره لله * حج و عمره را برای خدا (ج) اتمام نمایید ». برای خدا جل جلاله اتمام نمایید « که مراد از اتمام آغاز فرضیت حج است که این امر در سال ششم هجرت صورت گرفته است این مطلب به اساس قرائت علقمه، مسروق و ابراهیم النخعی که طبرانی آنرا به سند

صحیح روایت کرده است تایید میشود. مگر ابن القیم این را ترجیح داده است که فرضیت حج در سال نهم و یا سال دهم هجرت صورت گرفته است.

پیغمبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم در سال ششم هجرت جهت ادائی حج عمره از مدینه رسپار مکه شد که غیر مسلمانان مکه مانع آن شدند. قضائی این عمره را آنحضرت در سال هفتم هجرت بجاه آورد. در سال نهم حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ عنه با مسلمانان حج را انجام داد و در سال دهم هجرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم با جمهور مسلمانان حج وداع را در مکه معظمه بجاه آورد و مناسک ادائی حج را به مسلمانان بیان فرمود (دیده شود : تاریخ التشريع الاسلامی ، تأثیف الشیخ الخضری ص: 46 و فقه السنّه، تأثیف سید سابق، ص: 442 جلد اول).

برای ادائی فرضیه حج پنج شرط لازم است که عبارت است از :
1 - اسلام . 2 - بحد جوانی رسیدن . 3 - عقل . 4 - آزادی . 5 -
توانائی مالی و بدنی .

اگر شرایط فوق تحقق نیابد حج لازم نیمیشود . حج برزن و مرد مسلمان که دارای شرایط فوق باشند در عمر یکبار فرض است و بعد از آن اگر زن و مرد مسلمان به حج می پردازد حج او نفل است.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرموده است: «هر که حج را انجام دهد و بعد از آن به فسق و فساد دست نزند مانند طفل نوازد از گناهان پاک میشود ..».

به روایت بخاری که لفظ از مسلم است از حضرت عباس رضی اللہ عنہ روایت شده که از رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که زن با مرد نا محروم به تنهائی به حج سفر کرده نمی تواند مگر اینکه با وی محروم باشد . مگر حافظ گفته است که مشهور نز شوافع این است که باید با زن شوهر و یا محروم در صورت میتوان با زنان نیک قابل اعتماد و ثقه باشند رفتن زن با آن زنان در کاروان جهت ادائی حج مجاز است . و در قول دیگر است یک زن هم که قابل اعتماد و ثقه باشد رفتن

زنی با آن زن جهت ادائی فریضه حج مجاز است * { فقه السنه ، جلد اول ، سید سابق } .

در قولی که آنرا کرابیسی نقل کرده است و در مذهب صحیح تلقی شده در صورتیکه زن محرم نداشته باشد و امنیت راه موجود باشد آن زن میتواند که به تنهاًی جهت ادائی فریضه حج به کعبه الله سفر نماید .

در سبل السلام آمده است : جماعتی از ائمه گفته اند برای زن پیر و سالخورده بدون محرم جهت ادائی فریضه حج و عمره سفر کردن مجاز است . اگر زنی به حج پرداخت و امنیت راه موجود بود بدون آنکه باوی شوهر و یا محرم باشد حج وی درست است .

اگر شوهر زنی به زن خود اجازه رفتن به ادائی فریضه حج نداد مگر زن بدون اجازه شوهر به حج رفت درست است زیرا اطاعت کسیکه به آن مرتكب معصیت الله جل جلاله صورت گیرد مجاز نیست .

حج علاوه بر اینکه انجام عبادت و فریضه دینی و رکنی از ارکان تعبدی اسلام است ، گرد همائی بین المللی و بزرگ و بی مانند مسلمانان جهت وحدت عمل وصف و هم آهنگی اهداف شان است .

کعبه : کعبه اولین بنای است که خداوند جل جلاله جهت عبادت بندگان خود در مکه معظمه به اعمار آن امر فرموده است مگر این بنای مقدس و معظم بنابر حوادث ناگوار چند بار تخریب و به طرز واشکال مختلف اعمار شده است . گفته شده است که در قت طوفان نوح علیه السلام حضرت جبرئیل حجر اسود را به آسمان برد و بعد از آن آنرا واپس آورده است و هم گفته شده که آنرا حضرت جبرئیل از هند آورده است و آن سنگ در حالی بود که حضرت آدم و حوا (ع) از بھشت فرود آورده شدند و در آن وقت این سنگ سفید و رخشنه بود و از اثر خطاهای مردم سیاه گشته و هم مورخین گفته اند که این سنگ در وقت طوفان

نوح (ع) در کوه قبیس بود و بسیار رخشنده بود که حتی روشنی آن چشمان را خیره می ساخت مگر آنرا نا بسامانیها و نا رسایتهای جاهلیت و بدیهای آنها سیاه ساخت * { الهلال، الامپراطوریه الاسلامیه والاماکن المقدسه، تالیف الدکتور محمد حسین هیکل ص: 153، 155، 156}.

وقتیکه ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) مجدد اعمار نمودند ارتفاع آن 9 زراع و به شکل مستطیل بیست در سی زراع بود و دارای دو دروازه با زمین چسپیده داشت و دارای سقف نبود و چاهی برایش کنده شده بود که آب برایش ذخیره می شد.

گویند که محل کعبه شریف از اول مقدس و متبرک بوده ولی بعد از مرور قرنها متمادی از این مقام نشانی باقی نمانده بود . حضرت ابراهیم (ع) از جانب خداوند جل جلاله مامور شد تا بیت الله را از سر تعییر کند و موقع آن مقام مقدس به او نشان داده شد .

حضرت ابراهیم (ع) پسر خود اسماعیل (ع) را در اعمار مجدد خانه کعبه شریک ساخت و هر دو به اعمار مجدد آن مطابق وحی الهی اقدام نمودند که اسماعیل (ع) سنگ می آورد و ابراهیم (ع) تعمیر می کرد . خداوند جل جلاله به ابراهیم (ع) امر فرمود تا ینیاد آن خانه را به توحید و یکتا پرستی خالص ذات الهی جل جلاله بنهد . و هر کسی که در اینجا بیاید جز عبادت الله جل جلاله هیچ رسوم مشرکانه را بعمل نیاورد . اما کفار مکه بر عکس آن عمل کرده سیصد و شصت بت را در آن مقام مقدس نصب کردند . که حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم از خبث آنها آن خانه متبرک را که اولین خانه جهت عبادت بندگان خدا جل جلاله و جهت توحید خالص و وحدانیت الهی در روی زمین در مکه معظمه اعمار شده بود برای همیشه پاک نمود و برای عبادت بندگان مخلص خدا جل جلاله که بوحدانیت الهی یقین داشتند آماده ساخت که این مطلب درباره اعمار بیت الله به تواتر ذکر شده است . مگر طایفه از معتقدین متطرف به این قانع نشده میگویند که اعمار کعبه پیش از پیدایش انسانها و یا در زمان خلقت آنها در روی

زمین صورت گرفته است * { * کتاب الہلال، الامپراطوريه اسلاميه و الاماکن المقدسه، تاليف الدكتور محمد حسين هيكل ص: 152، 15}.

بعضی از آنها ذکر کرده اند که فرشته ها آنرا اعمار کرده اند به اين دليل که الله جل جلاله بالای ملائكه به قهر شد که گفت: {انی جاعل فی الارض خلیفه... قالوا :تجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک* البقره: 30}.

ترجمه: و هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که من آفریننده ام در زمین خلیفه را . گفتند: که آیا می گردانی در زمین کسی را که فساد میکند و در آن و میریزاند خون ها را حال آنکه ما تسبیح میکنیم بحمد تو و بپاکی یاد میکنیم ترا . فرشتگان همه در اندیشه شدند که چه حکمت است که خداوند متعال با وجود ما بندگان فرمانبردار و اطاعت کار انسان را خلیفه میسازد . که در میان ایشان مردمان مفسد و فساد پیشه خونریز پدید می آید واز اطاعت و فرمانبرداری سر باز میزنند .

فرشتگان اين امر را از خداوند تعالی بفرض استفاده سوال کردن نه بصورت اعتراض تا خود را بفهمانند که انگیزه چیست حکمت و فلسفه در آن چه است مگر با آنهم احساس قهر الهی را کردن و نیاز پوزش را داشتند .

سپس به گرد عرش گروه گروه به طواف پرداختند (لیک اللهم لبیک) پروردگار معدرت ما را بپذیر طلب استغفار مینماییم و به تو توبه میکنیم. الله جل جلاله بر آنها رحمت فرمود و زیر عرش عظیم خانه ئی را گذاشت که به بيت المعمور مسمی شد . و برای ملائكة فرمود : { گرد این خانه طواف کنید و عرش را بگذارید .} سپس به فرشتگان که در روی زمین بود و باش داشتند امر فرمود که در روی زمین خانه ای را مانند بيت المعمور اعمار نمایند و مانند آنانیکه در آسمان گرد بيت المعمور طواف میکنند طواف کنند . بنابران اين روایت به اين جا ای است که فرشتگان اين خانه را که بيت الحرام در آنجا موقعیت دارد دو هزار

سال پیش از خلقت انسانها اعمار نمودند . (دیده شود : کتاب الہلال و الامپراطوريه الاسلاميه و الاماكن المقدسه ، تأليف الدكتور محمد حسنین هيكل صفحه: 152 157).

هر چه اين روایت که آدم(ع) بيت الحرام را اعمار کرده است، چنین است که: آدم (ع) بعد از اينکه او و خانمش بی بی حوا از بهشت کشیده شدند، از پروردگار عالم درخواست کردند : (پروردگار چرا آواز فرشتگان را نمی شنویم؟ و هیچ احساس از آنها نمی کنیم؟).

پروردگار عالم فرمود: «باشر خطائی که کردی ای آدم» مگر برو خانه ای را جهت عبادت من آباد کن و گرد آن طواف کن و مرا در گردش و طواف آن چنانکه فرشتگان را دیدی که گرد عرش طواف می کردند مرا یاد کند . آدوم (ع) به جستجوی جای شد و بر روی زمین سفر کرد تا اينکه به مکه رسید بيت الحرام را در آنجا اعمار کرد و گفته شده است که آدم اعمار می کرد و بی بی حوا سنگها را جهت اعمار آن انتقال میداد . و در روایتی شیث(ع) کعبه را آباد کرده است و سپس در عهد نوح (ع) که طوفان شد زمین و آنچه روی زمین بود باشر طوفان زمان نوح (ع) با تعمیر کعبه از بین رفت . سپس جای آنرا خداوند متعال وحی به ابراهیم (ع) معین فرمود که ابراهیم با پسر خود اسماعیل (ع) از اساس آنرا بلند و مجدد اعمار کردنده مورخ نمی تواند که بطور قطع و یقین روایاتی را که در باره اumar کعبه که ملائکه یا آدم(ع) و یا شیث(ع) اعمار کرده تشییت کند . بنای کعبه باساس اumar حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) تا زمانی که مورخ میعاد آنرا تعیین کرده نمی تواند باقی مانده و هم گفته شده است که بعدا عمالقه و جرهم آنرا تجدید عمارت کردند . و بعضی گفته اند که کعبه بحال خود طبق عمارتی که حضرت ابراهیم خلیل اللہ و پسرش اسماعیل (ع) کرده اند باقی ماند تا اينکه قصی بن کلاب جد پنجم رسول اللہ صلی اللہ علیه وسلم از سر آنرا اumar و آباد کرد *(* در وسع مورخ هيكل نيسست که چيزی را از آن مؤکدا و بطور قطع تشییت کند .).

اختلاف در باره گذاشتن حجر اسود بجایش:

عرب طوریکه قصی آنرا مجدد اعمار نموده بود دور کعبه‌الله طواف می‌کردند ناگاه باران شدید در مکه صورت گرفت که سیلاب از کوه‌های مکه سرازیر شد و بر کعبه اثر انداخت و دیوارهای آنرا سست کرد.

روی این منظور قریش به اعمار مجدد آن مشوره کردند . بیت الحرام را منهدم ساختند برخی از دیوارهای آنرا از بین بردنند . مردم قریش سنگ‌ها را از کوه‌های مجاور آوردند و به اعمار مجدد آن آغاز کردند حینکه به اندازه قامت انسان بلند شد و زمان آن رسید که حجر اسود مقدس بجایش گذاشته شود ، میان روسای قبائل عرب اختلاف پیدا شد که کدام شخص و یا کدام رئیس قبیله آنرا بجایش بگذارد قریب بود که جنگ شدید میان شان رخ دهد و جنگ داخلی آغاز شود درین اثنا امیه پسر مغیره مخزومی که شخص قابل اعتماد مردم بود ، برای روسای قوم قریش پیشنهاد کرد که بیایید هر که و هر شخص که اول از دروازه صفا داخل شد او را حکم قرار دهیم ، دیدند که محمد بن عبد الله اولین شخص بود که داخل شد و او در آنوقت 35 سال عمر داشت وقتیکه روسای قریش از وضع برایش حکایت کردند آنحضرت فرمود چادری را بیاورید . چادر آماده شد سنگ را در وسط چادر گذاشت و از رهبران قبایل قریش درگیر در قضیه حجر اسود تقاضا فرمود که کناره‌های چادر را گرفته و آنرا بلند نمایند تا اینکه آنرا بجایش رسانند . سپس حجر اسود را آنحضرت بدست خود گرفته در جایش نهاد که به این تدبیر عالی اختلاف و منازعه رفع شد .

کعبه بعد از آن بنا تقریباً شکل مربعی را بخود گرفت که ارتفاع آن 15 متر ضلعی که حجر اسود در آن قرار داشت و طول ضلع مقابل آن $10 + 10$ متر گردید و حجر اسود به بلندی یکنیم متر از زمین طوافگاه قرار داده شد و طول ضلعی که دروازه در آن قرار دارد و ضلع مقابل آن 12 متر شد و ارتفاع دروازه از زمین 2 متر گردید .

اعاده اعمار کعبه الله:

اعمار اعمارت کعبه به همان شکل ماند تا اینکه یزید پسر معاویه امور را بدست گرفت و پایتحت آن دمشق بود. مگر عبد الله بن زبیر مخالف امویها در مکه زمام امور را بدست داشت. یزید فشونی را آماده ساخت و بر مکه حمله آور شد و ابن زبیر را محاصره کرده منجنيق را برکوه های مکه نصب کرد و ده هزار سنگ را بسوی کعبه پرتاپ نمود که بالآخر اعمارت کعبه سست شد و آماده حریق گردید زیرا سنگ های آن با چوب احاطه شده بود. درین زمینه ابن زبیر با مردم به مشورت پرداخت که در باره بیت الله چه تصمیم بگیرد. فیصله برآن شد که باید کعبه ویران شود و سرازن اعمار گردد.

در اثنای اعمار گردا گرد کعبه سنج از چوب گرفته شد و بالای آن پوشانده شد تا اینکه مردم طواف بیت الله را بکنند و به آن برسند. پس ازده سال حجاج ابن زبیر از محاصره کرد و او را به قتل رساند سپس یکی از دیوارهای کعبه را تغیر داد و دروازه غربی آنرا مسدود ساخت و بنای کعبه مانندیکه در زمان قبل از اسلام بود به همان شکل اعمار و بلند کرد وقتیکه هارون الرشید زمام امور را بدست گرفت از امام مالک (رح) در باره ویرانی کعبه و برگشتاندن آن طبق اعماریکه ابن زبیر کرده بود مشورت خواست امام مالک (رح) در جواب گفت: ای امیر المؤمنین کعبه الله را کعبه زمامداران قرار مدهید. بنا هارون الرشید آنرا غرض نگرفت.

کعبه الله باسas اعمار ابن زبیر و تعدیل حجاج باقی ماند تا اینکه در سال 1040 هجری 1630 م باران مدهش و شدید و سیلاج بزرگی به مکه سرازیر شد و داخل مسجد هم شد و سطح آب به اندازه ئی بلند شد که داخل کعبه شد و اعمارت کعبه ضعیف شده رفت که تقریباً برآن هزار سال سپری شده بود لذا دیوارهای آن یکی بعد از دیگری چپه شد آوازه آن به کشورهای اسلامی رسید مسلمانان شدیداً متاثر شدند چنانکه اهل مکه متاثر بودند پس همه مسلمانان دست بکار شدند و آنرا مجدد اعمار کردند.

بیت الله شریف با سنج از چوب احاطه شده که گرد آن مردم طواف می‌کنند چنانکه در وقت ابن زبیر بود و مردم به اعمار آن شش ماه انفاق و مصرف می‌کردند و اموال زیادی را بمصرف رسانیدند. از سنگ‌های که ابن زبیر اعمار نموده بود آنرا اعمار نکردند صرف آن سنگ‌های که قوی و متین می‌بود و غیر از آن از سنگ‌های جدید به اعمار کعبه پرداختند مگر مشکل شدید در باره حجر اسود پیش آمد زیرا بعضی حصه‌های آن از هم جدا می‌شد. * {الامپراطوریه‌الاسلامیه و الامکان المقدسه، دکتور محمد حسینی هیکل، صفحه: 157} . روی این منظور معمارها به تمام اسالیب فن معماری سعی نمودند تا اجزای آنرا که از هم جدا می‌شدند واپس ملحق و مستحکم سازند بالاخره به این نتیجه رسیدند که باید اجزای حجر اسود با هم طور فنی قایم شود که آنرا توسط سیم‌های نقره‌ئی چنانکه در عهد ابن زبیر بود بستند و در جایش گذاشتند.

اعمار کعبه از آن وقت تا امروز به همان شکل قایم است که مسلمانان جهان دور آن از وقتیکه خداوند متعال جل جلاله حج را بر مسلمانان فرض فرموده تا حال دور آن طواف می‌کنند.

به هر حال بعد ازین تذکرات تاریخی واپس به مسایل حج و عمره می‌پردازیم، که معنای حج قصد است و در اصطلاح حقوق دانان و علمای اسلام قصد طواف کعبه و بجا آوردن مناسک حج بخصوص در زمان خاص و به طور خاص می‌باشد و این فرضیه الهی در عمر یک بار بر شخص عاقل، رشید، تندrst که توان مالی برای خود و خانواده خود تا بازگشت از حج و بعد از آن داشته و از لحظه توائی بدنی و امنیت راه مطمئن باشد فرض است. ارکان حج را که عبارت از وقوف بر عرفات و طواف زیارت است یا سایر مناسک حج که در حقوق اسلام بصورت مشرح آمده که از زمرة احرام بستن سعی بین صفا و مروه، رفتن به عرفات، مزدلفه (مشعر الحرام) منی و زدن سنگ ریزه و قربانی و طواف افاضه و وداع و بعد زیارت ارامگاه حضرت سرور کائنات صلی اللہ علیہ وسلم که همه و همه اینها باید در ایام حج انجام یابد، انجام دهد.

حج به سه صورت انجام شده میتواند :

1) حج قران : که حاجی از احرام گاه قصد حج و عمره هر دو را به یک حرام مینماید و میگوید : بارالها اراده حج و عمره را دارم.

2) حج تمتع : آن است که حاجی برای عمره و حج احرامهای جدا گانه میبندد . او در نخست به عمره می پردازد و بعد از اینکه مناسک را انجام داد موی سر را تراش و یا کوتاه میکند که بالآخر احرام آن ختم می شود . در روز هشتم ذی الحجه از مسجد حرم دو باره احرام می بندد آنگاه افعال و مناسک را که باید یک حاجی انجام دهد بجای می آورد .

3) و کسیکه تنها به حج احرام می بندد و افعال و مناسک حج را با قربانی بجاه می آورد سپس موی سر را کوتاه و یا تراش میکند و سایر افعال و مناسک را انجام میدهد این حاجی ، حاجی افراد نامیده میشود . در باره هر یک از :

(قران ، تمنع و افراد) از این سه که حاجی جهت انجام احرام بسته کند جایز است .

احمد ، بخاری ، مسلم و مالک از عایشه رضی الله عنها روایت کرده اند که : او گفته است : با رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال حج وداع از (مدینه به سوی مکه) برآمدیم ، بعضی از ما به عمره تهلیل گفت و احرام بست و دیگری از ما به حج و عمره و تعدادی دگر از ما به حج و رسول الله صلی الله علیه وسلم به حج تهلیل گفت . و آنانیکه بعمره احرام بست و تهلیل گفت به رسیدن به مکه و انجام طواف و سعی احرام را ختم کردند . هر چه آنانیکه به حج و یا به حج و عمره یکجا احرام بسته و به تهلیل پرداخته بودند احرام خود را تا وقتی ختم نکردند تا اینکه وقت قربانی رسید و بعد از آن از احرام برآمدند . (فقه السنہ جلد اول ص : 464 تألیف سید سابق) .

احرام چیست؟ احرام عبارت از نیت کردن جهت انجام مناسک حج و یا عمره یا نیت هر دوی آنها است و آن به اساس فرموده الله جل جلاله : (و ما أمرنا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين) و فرموده رسول الله صلی الله عليه وسلم : { إنما الاعمال بالنيات و إنما بكل امرى ما نوى } رکن است . به روایت بخاری از ابن عباس رضی الله عنه حضرت رسول الله صلی الله عليه وسلم بعد از اینکه خود را برای احرام آراسته می ساخت ، خوش بوئی استعمال می کرد جامه های احرام را او اصحابش دربر می کردند .

آداب احرام :

احرام بستن دارای آدابی است که باید بصورت درست رعایت شود .

1 - نظافت : گرفتن ناخن ، کوتاه کردن بروت (شوارب) گرفتن مو های زیر بغل تراش و یا کندن مو های جا های خاص ، وضو گرفتن و اگر تمام بدن شسته شود یعنی غسل جهت احرام بستن بگیرد بهتر است ، شانه کردن ریش و موی سر . ابن عمر رضی الله عنهم گفته است غسل کردن یعنی شست و شو کردن تمام بدن جهت احرام بستن سنت است .

این مطلب را بزار و دار قطنی و حاکم روایت کرده اند و ترجیح دانسته اند . به روایت ابو داود که ترمذی آنرا مستحسن گفته از ابن عباس که پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفته است : زنانی که در حالت گذشتاندن عدت ماهوار و یا عدت ولادت باشند غسل کنند و احرام به بندند و تمام مناسک حج را به استثنای طواف بیت الله الحرام تا اینکه پاک شوند بجا آورند (خطابی گفته است : امر رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت غسل کردن زنانیکه در حالت گذشتاندن عادت ماهوار و یا عادت ولادت باشند ظاهر ادلیل برآن است که اگر شخصی بی وضو هم احرام ببندد احرام وی درست خواهد بود .).

2- تجرد از جامه‌های دوخته شده:

بعد از وضو و یا غسل و پاکی تمام بدن پوشیدن دو جامه احرام را که با یک چادر آن نصف بالای بدن خود را آنکه قصد حج را دارد بدون پوشاندن سر بپوشاند و با پارچه دیگر آن که بنام ازار گفته میشود نصف پایان بدن خود را به آن بپوشاند و باید این دو جامه نا دوخته باشند و می‌شاید که جامه‌های احرام سفید باشند زیرا لباس سفید دوست داشتنی نزد پروردگار عالمیان است.

3- استعمال خوشبوئی و عطربیات:

در جسم و لباس و لوكه اثر آن برآن بعد از بستن احرام بماند به روایت بخاری و مسلم از عایشه رضی الله عنها گفته است چنانکه می‌بینم رخشندگی خوشبوئی را در فرق سر رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالیکه او در حالت احرام بود . و هم آنها از موصوفه روایت کرده اند که گفته است : بر لباس های احرام رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش از اینکه احرام می‌بست و یا از احرام می‌برآمد و قبل از اینکه طواف بیت الله را انجام میداد استعمال می‌کرد . به روایت احمد و ابو داود و از عایشه رضی الله عنها (ما با رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت ادای حج به مکه می‌رفتیم بر پیشانی های خود مسک و خوشبوئی استعمال می‌کردیم در وقت احرام وقتی که یکی از ما عرق می‌کرد بر روی شان آن خوشبوئی جاری می‌شد رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌دید و ما را منع نمی‌کرد . (مگر بعضی از علماء آنرا مکروه پنداشته اند که این حدیث بر آنها حجت و دلیل است) .

4- برای احرام ادای دو رکعت نماز سنت است که بالا ثر نیت بستن احرام را اراده کننده حج مینماید . در رکعت اول آن بعد از سوره فاتحه قل یا ایها الکافرون خوانده شود و در رکعت دوم آن بعد از خواندن سوره فاتحه سوره اخلاص (قل هو الله احد) خوانده میشود . (فقه السننه جلد اول صفحه : 464 و 465 ، تأثیف السید سابق) .

که به روایت مسلم از ابن عمر رضی الله عنهم حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم در ذوالحلیفه جهت نذرانه‌ای احرام دو رکعت نماز را ادا فرمود .

(ذوالحليفة جای است که حضرت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم از آنجا احرام بسته کرده است).

عمره از اعتمار اخذ شده و آن بمعنای زیارت است مقصد و مقصود درینجا زیارت کعبه و طواف کردن گردا گرد آن است و سعی کردن بین صفا و مروه و تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سراست و علمای حقوق اسلام برآن اجتماع نموده اند که عمره جایز است. احمد و ابن ماجه از ابن عباس رضی اللہ عنہما روایت کرده اند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرموده است: انجام عمره در ماه رمضان معادل حج است. (یعنی ادائی آن در ماه رمضان ثواب حج غیر فرضی را دربردارد و ادائی آن حج فرضی را ساقط نمی سازد).

احمد، بخاری و مسلم از ابو هریره روایت کرده اند که حضرت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرموده است:
از انجام یک عمره تا عمره دیگر در بین شان گناه ها بخسوده میشود و حج مبرور جزاء و پاداش آن بجز بهشت نیست.

از نافع روایت است که عبد اللہ بن عمر رضی اللہ عنہما چند سال در عهد ابن زبیر به عمره پرداخت که در هرسال دو بار عمره را انجام میداد. و قاسم گفته است که عایشه رضی اللہ عنہا در یک سال سه بار حج عمره را بجا آورده است. پرسیده شد که آیا کسی آنرا بروی عیب گرفت؟ گفت سبحان اللہ پاکی است مر خدای عزوجل را ام المؤمنین را یعنی بروی کسی عیب بگیرد. و تا این حد اکثر دانشمندان و اهل علم اسلام رفتار نموده اند. مگر امام مالک تکرار عمره را در یک سال بیش از یک مرتبه مکروه پنداشته است. هم چنان برای عمره کننده مجاز است که در ماههای حج و یا در غیر آن ماهها به حج عمره بپردازد.
حضرت عمر در ماه شوال حج عمره را انجام داد و واپس به مدینه بدون حج برگشت. طاووس گفته است که اهل جاھلیت ادائی عمره را در ماههای حج ناروا میدانستند.

مگر وقتی آفتتاب اسلام در جزیره عرب طلوع کرد و پیغمبر اسلام مردم را به راه حق و عدالت و یکتا پرستی دعوت فرمود مردم را امر فرمود که در ماههای حج نیز حج عمره را ادا نمایند و عمره در ماههای حج تا روز رستا خیزداخ شد.

تعداد ادائی عمره رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم:

احمد و ابو داود و ابن ماجه بسند ثقه و از ابن عباس رضی الله عنهم روایت کرده اند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم چهار عمره را انجام داده اند ، عمره حدیبیه، عمره قضا، سوم عمره جعراء، چهارم همراهی حج خویش.

احناف و مالک به این نظریه اند که عمره سنت است. باستناد حدیث جابر رضی الله عنہ که از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم پرسیده شد که آیا عمره واجب است فرمود : نی. این حدیث حسن و صحیح است و نزد شافعی و احمد عمره فرض است، به استناد این فرموده الله تعالی جل جلاله { و اتموا الحج و العمره لله } که بر حج عطف شده است و آن فرض است . و عمره نیز مانند حج فرض است مگر نظریه اول راجح است که سنت است.

وقت عمره: تمام چمهور علماء بین اند که وقت حج عمره تمام سال است که در هر یک از ایام آن ادا شود. مگر ابو حنیفه در پنج روز به کراحتیت ادائی عمره نظر داده است: روز عرفات، روز قربانی و روز های تشریق و ابو یوسف نیز به کراحت ادائی عمره در روز عرفه و سه روز بعد آن نظر داده است و در ماههای حج به جواز ادائی حج عمره اتفاق نظر دارند . (فقه السنہ صفحه : 539 ، 540 ، تألیف السی سابق جلد اول) .

مواقیت: جمع میقات است و آن میقات ها هم زمانی و هم مکانی اند.

میقات های زمانی : عبارت از اوقاتی است که اعمال حج در غیر آن وقت ها درست نیست . و آنرا خداوند متعال جل جلاله توسط این آیات برای جامعه اسلامی که اراده حج را میکنند مشخص فرموده است: { یسئلونک عن اهلہ، قل هی موافقیت للناس و الحج } و هم فرموده: { الحج اشهر معلومات } ای محمد از تو در باره ماه های پرسند ، بگو برایشان که آن وقت های « مشخص » برای مردم و حج است، و حج در ماههای مشخص و معلوم است.

وقت اعمال حج : علمای حقوق اسلام برین اتفاق نظر دارند که مراد از ماههای حج ، شوال ، ذوالقعده و در باره ذی الحجه اختلاف کرده اند که آیا تمام ماه ذی الحجه از زمرة ماههای حج است و یا ده روز آن.

ابن عمر ، ابن عباس ، این مسعود ، احناف ، شافعی و احمد بننظر دوم اند . { فقه السنہ ، جلد اول صفحه: 464 و 465 ، تالیف السید سابق}.

که ده ذی الحجه از زمرة ماههای حج است ، مگر امام مالک نظر اول را تایید میکند که تمام ذی الحجه از زمرة ماه های حج است . که آنرا ابن حزم باساس فرموده الله جل جلاله که: (الحج اشهر معلومات) حج ما ههای معین و معلوم است نیز ترجیح داده است.

هم چنان زدن سنگ ریزه از زمرة اعمال حج است که در روز سیزدهم ذی الحجه بعمل می آید و درین کدام اختلاف نیست که درینصورت درست است که ماههای حج سه ماه می باشد . ثمره خلاف درین ظاهر میشود که اعمال حج بعد از قربانی صورت میگیرد . آناییکه تمام ماه ذی الحجه را از ماههای حج حساب میکنند در اعمال حج که در ماه ذی الحجه صورت گیرد تاخیر را که باعث دم

شود لازم نمی شود و کسانیکه صرف ده روز ذی الحجه را از زمرة ماههای حج
حساب می کنند دم تاخیر لازم میشود

احرام بستن به حج پیش از ماههای حج:

ابن عباس، ابن عمر و جابر و شافعی رضی الله عنهم به این نظراند که احرام بستن
جهت حج در غیر ماههای حج درست نیست. { درست نیست زیرا خداوند متعال
اعمال حج را در ماههای معین فرموده است و احرام بستن عملی از اعمال حج
است و کسیکه میگوید که احرام بستن قبل از ماههای حج درست است لازم است
ارائه دلیل و برہان قاطع بنماید }.

بخاری از ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده است که موصوف گفته است که :
(ماههای حج شوال، ذو القعده و ده روز از ذی الحجه است و ابن عباس رضی الله
عنہ با حدیث مرفوع گفته است که احرام بستن بجز از ماههای حج درست نیست.
ابن جریر از ابن عباس روایت کرده است که احرام بستن پیش از ماههای حج با
کراحت درست است . مگر شوکانی نظریه اول را ترجیح داده است که بستن
احرام قبل از ماههای حج درست نیست) .

مواقیت مکانی:

مواقیت مکانی عبارت از اماکنی است که از آنجاها احرام جهت حج و عمره بسته
میشود و برای حجاج، حج و عمره مجاز نیست که از آن جاها بدون بستن احرام
بگذرند. آن جاها را رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مسلمانان که اراده حج و
عمره را مینمایند مشخص و معین فرموده است

میقات اهل مدینه را ذو الحلیفه، جای است که بین او و مکه که در شمال آن واقع
است 450 کیلومتر فاصله است. برای اهل و مردم شام تاریخی جحفه است، جای
است که در شمال غربی مکه که بین آن و مکه 187 کیلومتر فاصله است. و آن

قریه از قراء (رابع) است و میان رابع و مکه 204 کیلومتر فاصله است همچنان رابع میقات مردم جمهوری عربی مصر، شام (سوریه) و کسانیکه از آن نقطه بعد از بین رفتن علامات جحفه عبور میکنند. میقات مردم یمن (یلمم) است و آن کوهی یا تپه است به جنوب مکه که فاصله بین او و مکه 54 کیلومتر است. میقات مردم نجد، قرن المنازل است و آن تپه و یا کوهی است مشرف بر عرفات که بین او و مکه 94 کیلومتر فاصله است.

میقات اهل عراق (ذات عرق) است و آن جای در شمال شرقی مکه است که فاصله بین او و مکه 94 کیلومتر است.

این جاها و میقات های است که حضرت سرور کائنات صلی اللہ علیہ وسلم برای حاجاج جهت بستن احرام مشخص و معین فرموده است. و هر که از آن جاها بمنظور ادائی فریضه حج و یا عمره عبور میکند چه مردمان همانجاها باشند و یا از جا های دیگر لازم است که از همان نقاط احرام به بندند. {اگر اهل شان اراده حج را نماید و داخل مدینه شوند میقات آنها ذوالحلیفه است که از آنجا احرام بسته کنند و تاخیر نمایند تا اینکه به رابغ برسند که آن میقات اصلی است، اگر از آن هم در بستن احرام تاخیر کردن دم بالایشان لازم می شود.}.

و کسانیکه بین میقات و مکه باشند میقات شان منزل شان است. ابن حزم گفته است: اگر کسی را راه بین میقاتها نباشد یعنی از این میقاتها عبور نمی کرد میتواند از هر جای که یخواهد احرام به بندد. یعنی اگر از راه خشکه می آمدند و از این طریق را بین میقاتها نداشت از جای که میخواست احرام به بندد و اگر از راه بحر می آمد و از این میقاتها راه گذرش نبود از هر جای که در بحر می آمد از همان جا احرام به بندد. {فقه السنّه، صفحه: 462، 463 جلد اول، تالیف السید سابق.}.

البته حج که یکی از ارکان خمسه دین اسلام است ، عبادتی است ، روحی ، اجتماعی ، بدنی و مالی ، علاوه بر اینکه انجام وظیفه دینی است فوائد مادی و معنوی بسیاری را برای مسلمانان جهان در بردارد .

اول اینکه برای اهل مکه و مدینه و باشندگان آن به اثر ورود مسلمانان از شرق و غرب و از کشور های اسلامی و غیر اسلامی جهت ادائی فریضه حج بیت الله الحرام و یا ادائی عمره مفاد های مادی بی شماری حاصل میشود .

دوم اینکه به اثر ورود مسلمانان در ایام حج تبادلات تجاری زیادی بین شان در مکه معظمه و در مدینه منوره صورت می گیرد که تمام این تبادلات تجاری در امن و امان تحقق می پذیرد .

سوم اینکه : جمع شدن هزاران مسلمان جهان جهت ادائی فریضه حج در موسم حج اثرات خیلی عالی از همبستگی ، وحدت برادری و برابری و مساوات و تعاون و تساند را در ذهن مسلمانان جهان میگذارد . و هم از اینکه دو یا سه ملیون مسلمان که از شرق و غرب در حجاز جمع میشوند باهم در مسایل عمدۀ سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و تجاری تبادل نظر نموده و از تجارب یکدیگر مستفید میشوند تاثیر خیلی عالی دارد و هم به درس ایثار و فداکاری حضرت ابراهیم خلیل الله که به قربانی جگر گوشۀ خود اسماعیل علیه السلام با مراله آماده شد و بالآخر رحمت الهی بالای آن نازل و درین امتحان بزرگ نیرومند برآمد که بموجب آن و جیبه قربانی بالای مسلمانان در ایام حج لازم است عالم آنرا مشاهده میکنند و درس ایثار و فداکاری را در راه خداوند متعال می آموزند .

و هم عید قربان یا حج اکبر دارای فلسفه و حکمت دیگری هم است که در وقت آن نزول قرآن کریم کتاب مقدس الهی تکمیل گریده است چنانکه در ماه رمضان آغاز نزول قرآن کریم صورت گرفته است . که این هر دو عید برای مسلمانان جهان ارزش خیلی عالی ، فلسفی و ملکوتی دارد . که باید مسلمانان جهان دایم از

فلسفه عالی این دو عید یا جشن عالی دینی از لحاظ روحی ، معنوی و مادی و انسان دوستی و برادری و مساوات و تعاون و تساند و از مسایل سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی آن مستشعر باشند. زیرا در یک عید که عید قربان و حج اکبر است نزول قرآن کریم تکمیل شده و در عید رمضان المبارک قرآن نازل شده است که به اینصورت قانون الهی و قانون اساسی ملکوتی برای جهان اسلام که از طرف الله جل جلاله آغاز و انجام شده است در باره آن هر دو مسرت و استغفار بی پایان جشن دینی گرفته شود .

مراجع تحقيق:

- 1) قرآن كريم.
- 2) الشيخ الخضرى، تاريخ التشريع الاسلامى.
- 3) سيد سابق، فقه السنن.
- 4) الدكتور محمد حسين هيكل، كتاب الهلال الامپراطوريه الاسلاميه و الاماكن المقدسه.

دعوت

بعد از مطالعه این رساله از شما دعوت میکنیم تا برای مرحوم استاد عبدالغفور باهر صاحب دعای مغفرت نماید و همچنان برای محترم خانم شان و اولادهای شان از خداوند اجردارین را میخواهیم.

نشر ثقافت اسلامی مسئولیت همه افراد جامعه اسلامی و خصوصا علمای کرام میباشد . نشر ثقافت اسلامی یگانه وسیله حمایت مسلمانان از انحرافات ثقافتی است و امروز که جهان غرب بشدت در تغییر ثقافت اسلامی کوشش دارند ما مسلمانان نیز به همان اندازه باید در نشر ثقافت اسلامی ساعی باشیم ورنه بزودی ثقافت اصیل خود را از دست داده و ثقافت غرب مسیحی که با قوت سیاسی و نظامی در کشورهای ما مسلط شده است نسل آینده مسلمانان را تربیه لا دینی نموده و ما همه در نزد خداوند سبحانه و تعالی در آخرت مسؤول خواهیم بود .

برای نشر ثقافت اصیل اسلامی تحقیق ، ترجمه و صدقه مالی ضرورت است . فقه اسلامی که در مدت یازده سال نشرات دارد تا حال پنجاه و هفت رساله را چاپ و مجانی به اختیار هموطنان قرارداده است. ادامه این کار احتیاج به همکاری معنوی و مادی شما دارد و أمید داریم که نشریه فقه اسلامی را تقویت معنوی و مادی نموده در حمایت کارکنان و نویسنده کان آن بکوشید .

مهربانی نموده صدقات خود را به آدرس فقه اسلامی هر چه زودتر فرستاده و هر کدام مصارف طبع یک رساله را به نیت صدقه جاریه قبول نماید .

با عرض احترام / برادر مخلص شما فضل غنی مجددی .

